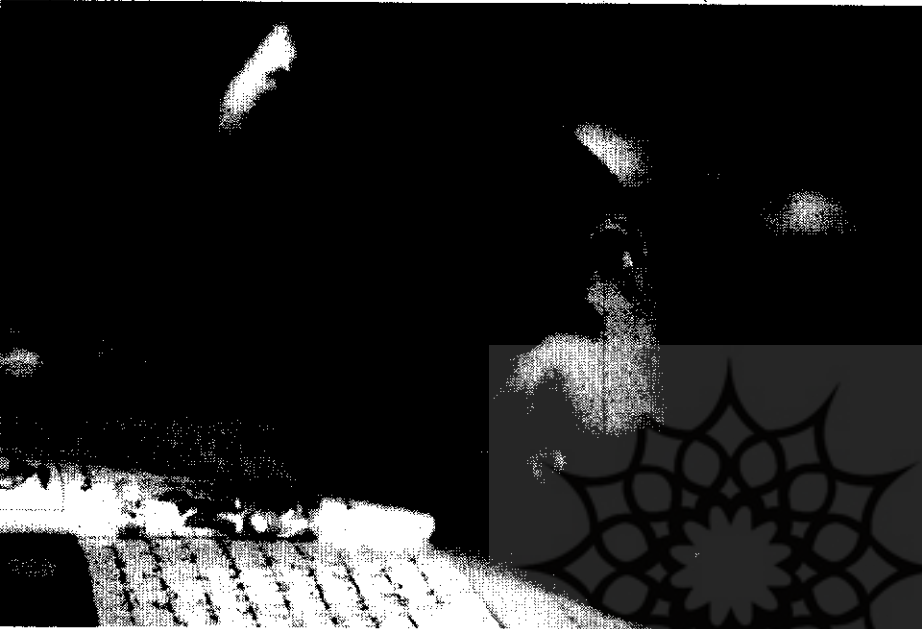


پیش به سوی آموزش و پرورش سنتی!



♦ علی پور سلیمان
مسئول تشکیلات و برنامه ریزی
سازمان معلمان ایران

باید به این سوال پاسخ داد که دارندگان مدارک فوق لیسانس و دکترها آیا تافته جدا بافته‌ای از این طرح هستند و اصولا در چه طبقه و رتبه‌ای قرار می‌گیرند؟!

ممکن است عنوان شود استادان دانشگاه و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، در طرح مسیر ارتقای شغلی قرار ننگرفته‌اند.

در پاسخ باید گفت که میزان حقوق و مزایای اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، آن قدر بالا هست که نیازی به استفاده از این طرح نداشته باشند. اما از نظر ما این طرح یعنی قرار گرفتن در طرح مسیر ارتقای شغلی هم باید شامل همه از جمله اعضای هیات علمی نیز شود!

در غیر این صورت، جوهره، این طرح که همانا رقابت و توجه به صلاحیت‌ها و توانمندی‌هاست زیر سوال قرار خواهد گرفت؟!

بر اساس آمار، تعداد افراد استفاده‌کننده از حق همترازی هیات علمی، ۳ درصد کل کارکنان آموزش و پرورش را شامل می‌شود؛ اگر متوسط افزایش

طرح مسیر ارتقای شغلی، مطرح گردید. در موضوع "مسیر ارتقای شغلی"، استفاده کنندگان از حق همترازی هیات علمی نمی‌توانند از مزایای ارتقای شغلی بهره‌مند شوند و به عبارت دیگر یکی از آن دو را باید انتخاب نمایند!

بحث‌های فراوانی در این مورد صورت گرفت حتی سازمان معلمان منطقه ۹ تهران در سال ۸۳، دو همایش را در منطقه ۹، با حضور کارشناسان، معلمان و خبرنگاران به این موضوع اختصاص داد.

در این جلسه و در بیانیه‌های سازمان معلمان عنوان شد که استفاده‌کنندگان از حق همترازی هیات علمی حق دارند همانند سایر گروه‌ها و معلمان در این طرح قرار گیرند و تمایز این مقوله به صورت نظری و عملی، هیچ‌گونه پشتوانه علمی و منطقی ندارد. استفاده‌کنندگان از حق همترازی هیات علمی باید بر اساس تجارب و سوابق و سایر پارامترها از مزایای شغلی بهره‌مند شوند.

بر اساس طرح مسیر ارتقای شغلی، معلمان به سه گروه "خبره، ارشد و عالی" تقسیم می‌شوند. حال

بحث همترازی هیات علمی برای دارندگان مدارک فوق لیسانس و بالاتر، از زمانی در آموزش و پرورش مطرح گردید که دارندگان این گونه مدارک بعضا انگیزه کافی جهت ادامه خدمت در آموزش و پرورش نمی‌دیدند و بسیاری از آنها به صورت مامور، منتقل و... در ارگان‌ها، وزارتخانه‌های دیگر و دانشگاه‌ها مشغول به کار می‌شدند. بدین ترتیب، بخشنامه شماره ۱۰۰/۷۱۰/۱۶۱ مورخ ۱۳۷۳/۶/۱۵ در زمان آقای نجفی و در خصوص دستورالعمل اجرای ماده ۸ قانون نظام هماهنگ کارکنان دولت موضوع همترازی و فوق العاده شغل دارندگان مدارک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر که در مشاغل آموزشی، مطالعاتی، تحقیقاتی به خدمت اشتغال دارند، با ۸۰ درصد حقوق و فوق العاده شغل اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها از سوی سازمان امور اداری و استخدامی کشور به مرحله اجرا درآمد. مسایل چالش برانگیزی در سال‌های اخیر در این مورد مطرح شده است که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱- بزرگ‌ترین و مهم‌ترین چالش از زمان اجرای

حاصله از طرح مسیر ارتقای شغلی را برای هر نفر حدود ۴۰ تا ۶۵ هزار تومان در نظر بگیریم، آمار بار مالی حاصل از اجرای این طرح این قدر بر دوش وزارت آموزش و پرورش و سازمان مدیریت و برنامه ریزی سنگینی می کند که این افراد را به مدت حدود دو سال از این حق مسلم محروم کرده اند!

تاوان این خسارت را چه کسانی پاسخ خواهند داد؟!

با پیگیری های به عمل آمده و مساعدت وزیر وقت و آقای حاجی، قرار بر این بود که این مساله مورد تعدیل قرار گیرد که متأسفانه به دلایل نامعلومی با مخالفت سازمان مدیریت و برنامه ریزی روبه رو شد و مسکوت ماند.

مشخص نیست سازمان مدیریت و برنامه ریزی با استناد به کدام دلایل علمی و کارشناسی با این اصلاحات مخالفت ورزیده است. به نظر می رسد این سازمان بیشتر بر اساس بینش یک نگاه اقتصادی و صرفه های اقتصادی بازار عمل می کند تا آموزه های مدیریتی در قرن بیست و یکم.

۲ - دومین چالش به زمانی بر می گردد که در سال ۱۳۸۳، نمایندگان مجلس تصویب کردند که حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه ها چند برابر شود و در آن مصوبه، نیروهای شاغل غیر از اعضای هیات علمی را از این امر مستثنی نمودند. در حالی که قبلاً هر گونه افزایشی در جداول حقوقی استادان دانشگاه،

آموزش و پرورش را نیز در بر می گرفت.

مشخص نیست مجلس شورای اسلامی بر اساس چه اصول و معیارهایی این تبعیض را میان این دو گروه قایل شده است؟! اگر این اعمال تمایز به خاطر بار مالی بوده است باز هم تأکید می شود این تعداد فقط ۳ درصد کل کارکنان آموزش و پرورش را شامل می شوند؛ ثانیاً آیا برای نمایندگان محترم، ارتقای کیفیت آموزش و پرورش به عنوان "رکن توسعه" مطرح نیست؟!

آیا دارندگان مدارک فوق لیسانس و دکترا در آموزش و پرورش می دانند که با مصوبه مجلس شورای اسلامی متوسط دریافتی اعضای هیات علمی به بیش از یک میلیون تومان رسیده است در حالی که متوسط دریافتی یک شاغل با مدارک فوق لیسانس و دکترا در آموزش و پرورش زیر سیصد هزار تومان محاسبه می شود؟!

این همه تفاوت و تبعیض چه معنا و مفهومی دارد؟!

آیا این مساله تضادی با شعارهای عدالت طلبانه ریاست جمهوری ندارد؟!

مگر فرض بر این نبوده است که نوعی همسان سازی و یکسان سازی بین نیروهای آموزش و پرورش و آموزش عالی برقرار شود و در مجموع سیستم به تعادل نسبی برسد! بین فرق گذاشتن و اعمال تبعیض آشکار میان این دو گروه، چه توجیهی

دارد؟! ضمن آن که ساعات کار موظف اعضای هیات علمی دانشگاه ها بسیار کمتر از استفاده کنندگان از حق همترازی هیات علمی در آموزش و پرورش می باشد و دارندگان مدارک فوق لیسانس و دکترا در آموزش و پرورش باید همانند معلمان دیگر در سر کلاس با همان ساعات کاری حاضر شوند! مضاف بر این، اعضای هیات علمی در کنار حقوق و مزایای بالا و ساعات کار پایین که البته بقیه ساعات هفته را با اضافه کاری و حق التدریس پر کرده اند! از بسیاری مزایای جنبی و حاشیه ای بهره می برند که استفاده کنندگان از حق همترازی از آن بی بهره هستند، در مجموع می توان گفت میان دریافتی اعضای علمی دانشگاه ها و افراد مشابه در آموزش و پرورش در کنار شرایط و محیط کاری، هیچ گونه سختی و تشابهی وجود ندارد و نوع تفاوت بیشتر اسمی است!

۳ - بخشنامه صادره می گوید: افزایش حاصله از ارتقای گروه فرد از تفاوت هیات علمی کسر خواهد شد و در عین حال فقط سختی کار افزایش می یابد و سایر فوق العاده ها نیز از حق همترازی کسر می گردد. به عبارت دیگر، اگر استفاده کنندگان از حق همترازی درصدد ارتقای گروه بر آیند تفاوت حاصله از افزایش گروه از حق همترازی کسر می گردد و افزایشی که حاصل می شود، رقم بسیار ناچیزی خواهد بود که به هیچ عنوان در شان دارندگان مدارک تحصیلی بالا نیست و به شدت بر مسایل انگیزشی و رضایت شغلی این گروه از معلمان تأثیر منفی می گذارد.

در پایان باید گفت استفاده کنندگان از حق همترازی هیات علمی در مقایسه با همقطاران خود در آموزش عالی از بسیاری از مزایا محروم هستند از جمله قرار نگرفتن در مسیر ارتقای شغلی، پایین بودن حقوق و مزایای این افراد حتی در مقایسه با دارندگان مدارک پایین تر و بالا بودن توقع از این افراد در بهبود عملکرد و کیفیت آموزشی و دهها مسایل دیگر باعث خواهد شد تا انگیزه ای برای بهبود عملکرد و کارکرد در این افراد باقی نماند و معضل "بیکاری پنهان" در این مورد همسان موارد دیگر تشدید و حادثر شود.

از سوی دیگر، میزان رغبت برای افزایش تحصیلات و ارتقای درجه با توجه به مشکلات و مسایل پیش روی، کاهش خواهد یافت و این گام دیگری خواهد بود برای بازگشت به آموزش و پرورش سنتی!!

